

رئیس کل دادگستری خبر داد:

حکم ۷ متهم یک انجمن غیر قانونی

سابقه کیفری، حکم تعلیق تا ۳ سال است. وی خاطرنشان کرد: بعد امنیتی این پرونده نیز ۷ متهم دارد.

تحرک به آشوب، تحصن، تظاهرات و درگیری از طریق فراخوان در فضای مجازی و حتی برنامه ریزی برای تسخیر برخی مکان های نظامی، به دست آوردن سلاح و اقدام مسلحانه، از جمله موارد اتهامی این افراد است.

حجت الاسلام «جعفری» اظهار کرد: تمام اقدامات این افراد رصد شده و قاضی دادگاه انقلاب این رأی ها را در مرحله بدوی صادر کرده است اما هنوز این رأی قطعی نیست. وکیل این پرونده به طور کامل در جریان بوده است و قانون را می داند و افراد می توانند در مرحله تجدید نظر دادخواهی کنند.

افراد نباید در این مورد فرافکنی کنند.

رئیس کل دادگستری خراسان شمالی گفت: هم از رأی و حکم و هم از صادر کننده حکم دفاع می کنیم و دستگاه قضایی تحت تأثیر هیچ فرد، رسانه و جوسازی رسانه های ضد انقلاب قرار نمی گیرد.

احکام قطعی و بدوی برای متهمان انجمن غیرقانونی صنفی معلمان صادر شد.

رئیس کل دادگستری خراسان شمالی در این باره گفت: تشکیلی به نام انجمن صنفی معلمان وجود قانونی نداشته و این تشکل با سوء استفاده های مالی، مرتکب برخی جرایم امنیتی شده است.

حجت الاسلام «اسدالله... جعفری» ادامه داد: این افراد با سوء استفاده مالی به جمع آوری کمک برای زلزله زدگان اقدام کرده اند ولی مبالغ را در این راستا خرج نکرده اند. اسناد این موارد ثابت شده و بررسی های لازم صورت گرفته است و متوجه شدیم این مبالغ تصاحب و به نفع شخص استفاده شده است.

وی تصریح کرد: محکومیت قطعی که تاکنون برای این پرونده صادر شده است ۲ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق برای توهین به افراد برای متهم ردیف اول و برای همدستان وی ۶ ماه حبس و شلاق و برای نفر سوم هم به دلیل نداشتن

دیداری پس از ۱۲ سال

زندگی جدید یک زن پس از اشک نوجوان

ماجرای ادامه داشت تا این که همسر سر یک بیماری فوت کرد و من ماندم با ۳ بچه. چون توانایی نگهداری از بچه هایم را نداشتم مادرم سرپرستی آن ها را از من گرفت و تنها شدم. پدرم آدم متمول و صاحب ملک و املاک زیادی بود.

بعد از این که اعتیاد شدت گرفت کارتن خواب خانه خودم شدم و مثل یک جنازه متحرک داخل زباله ها غوطه ور می شدی تا چیزی برای فروش پیدا و با آن مواد تهیه کنم. بعد از فوت پدرش، ارثیه زیادی به زن جوان می رسد اما او همه آن ها را دود می کند.

از طریق دوستانش تغییر مصرف می دهد و از مواد سنتی به صنعتی روی می آورد و زندگی اش سیاه تر از قبل می شود.

در مدتی که از فرزندانش دور است به خاطر شرایط جسمی و روحی اش توانایی رو در رو شدن با آن ها را ندارد و گاهی از دور در مسیر مدرسه به آن ها نگاه و بعد از آن هم به دنبال مواد کوچه پس کوچه ها را طی می کند. او می گوید: به خاطر اعتیاد زیادم همه ارثیه ام را خرج شیشه کردم و آس و پاس شدم.

۱۲ سال از فرزندانم دور بودم و جرئت نزدیک شدن به آن ها را نداشتم. این ماجرا ادامه داشت تا این که روزی برای خرید نان به نانوائی رفتم، پسر نوجوانی از همان اول به من خیره شد و چشم از من بر نمی داشت و به

ازدواج کردم. در زمان نامزدی با دوستان هم دانشگاهی ام پنهانی تریاک مصرف می کردیم و گاهی هم قرص می خوردیم. این داستان ادامه داشت تا این که دوران نامزدی ام تمام و زندگی مشترک مان شروع شد. به دور از چشم همسرم مواد مصرف می کردم.

البته او راننده کامیون و بیشتر اوقات در بیرون از خانه بود و متوجه اعتیادم نمی شد. زن جوان تا به خودش می آید خودش را در نقش مادر می بیند و صاحب چند فرزند می شود.

به خاطر مصرف مواد و از طرفی نگهداری از فرزندانش دیگر رمقی برای ادامه تحصیل در او نمی ماند، برای همین دانشگاه را رها و نقش همسری و مادر بودنش را پررنگ می کند. طی ۸ سال زندگی مشترک صاحب ۳ فرزند می شود و به گفته خودش بچه هایش همگی معتاد به دنیا می آیند اما مادرش آن ها را با ترفندهای مختلف از مواد پاک می کند.

البته زن جوان اذعان می کند که همسرش را با ترفندهای مختلف از مواد پاک می کند. و برای جلوگیری از پاره شدن پرده حیا به روی خودش نمی آورد.

زن می گوید: بعد از مدتی خسته شدم و اعتیاد را آشکار کردم. سر این اتفاق مدتی با هم کشمکش داشتیم اما به خاطر بچه های مان یکدیگر را تحمل می کردیم. این

صدیقی

یک روز که به نانوائی رفتم تا چند عدد نان بگیرم یک پسر نوجوان را دیدم که به من زل زده بود. اول به روی خودم نیاوردم اما دیدم چشم از من بر نمی دارد، در خیال خودم که او یک بچه چشم چران و ناپاک است خواستم به زد. وقتی به خودم آمدم دیدم او پسر خودم است اما او را نشناخته بودم. بغض گلویم را گرفت و زارزار گریه و خودم را سرزنش کردم.

این ها بخشی از صحبت های دردناک مادری است که ۲۳ سال گرفتار اعتیاد شد و از خانواده اش دور بود.

مادرش به واسطه مریزی به مواد مخدر آلوده شد و دختر جوان کم و بیش از نزدیک با مواد آشنا بود اما به آن لب نمی زد. وارد دانشگاه که می شود از طریق دوستان هپروتی اش در گرداب مواد می افتد و دست رفاقت به دود و دم می دهد. ابتدا از قرص های روان گردان شروع می کند و رفته رفته در باتلاق اعتیاد سنتی فرو می رود. زن زخم خورده از تیغ زهرآلود اعتیاد می گوید: وقتی وارد دانشگاه شدم دوستانم اتاق مجردی داشتند و در زمان بیکاری از من دعوت می کردند در دورهمی آن ها شرکت کنم که همین دعوت ها مرا به اعماق تباهی سوق داد. بعد از مدتی

سرقت دیگ های نذری در یک محله

ساختمان مسکونی مان گذاشتیم. مدتی گذشت تا این که وقتی سراغ دیگ ها رفتم در کمال تعجب دیدم اثری از آن ها نیست. ابتدا فکر کردم شاید یکی از همسایه ها آن ها را لازم داشته و امانت گرفته است اما بعد از جست و جو و پیگیری

که سارق یا سارقان آن ها را سرقت می کنند. مال باخته در این باره گفت: روزی به خاطر پخت غذای نذری که هر سال داریم، به پیشنهاد همسرم چند دیگ مسی بزرگ از پستگان قرض گرفتیم و آن ها را به خاطر نبود انباری در گوشه ای از پارکینگ

صدیقی- سارق یا سارقان از یک مجتمع مسکونی در یک محله حاشیه شهر بجنورد سرقت کردند و تعدادی دیگ مسی گران قیمت را به بهیما بردند. مرد خانواده که برای ادای نذر خود چند دیگ مسی را از بستگانش قرض گرفته بود خبر نداشت

نامه نگاری ها در مسیر اداره، معلم در مسیر بیمارستان

صدیقی- یکی از معلمان روستای فخرالدین در مسیر مدرسه به خاطر راه نامناسب دچار حادثه شد. معلم خانم زمانی که از شیب تند در حال ورود به مدرسه بود ناگهان شر خورد و کارش به بیمارستان کشید. فرد مصدوم در این باره گفت: ظهر روز حادثه زمانی که با یکی از همکاران خانم در حال پایین آمدن از شیب تند مدرسه روستای فخرالدین برای رفتن سر کلاس بودیم ابتدا همکارم به خاطر گل و لای ناشی از ذوب شدن برف و شیب تند شر خود که خوشبختانه با سر و صدای من قبل از سقوط دانش آموزان به او کمک کردند و اتفاقی برایش نیفتاد. بعد از این اتفاق زمانی که خواستم در شیب تند به راهم ادامه بدهم با وجود احتیاط زیاد به سر نوشت همکارم دچار شدم و سر خوردم که متأسفانه از ناحیه ستون فقرات دچار مصدومیت شدید شدم. بعد از این حادثه با کمک اهالی روستا به جاده اصلی و توسط اورژانس برای مداوا به بیمارستان منتقل شدم. به گفته این معلم مصدوم مدرسه راهنمایی دخترانه روستای فخرالدین در بیرون از روستا در مکانی سخت گذر احداث شده که معلمان مدام به خصوص طی فصل سرما علاوه بر احتمال سقوط از ارتفاع با خطر حمله جانوران وحشی روبه رو هستند. بر اساس گفته این مصدوم بارها برای بهبود راه دسترسی مدرسه نامه نگاری شده اما تاکنون اقدامی انجام نشده است.



نمایشگاه دائمی

میلان یافت آباد تهران

تا برد یافت آباد هست اعتماد باید کرد

فروش ویژه زمستانه *

تخفیف نقدی ویژه ، به مدت محدود

۶ ماه گارانتی تعویض بدون قید و شرط

۳۶ ماه گارانتی معتبر

شعبه دیگری در استان ندارد

آدرس: کیلومتر ۵ جاده بابا امان (جنب تالار ارغوان)